

## تحلیل تهدیدهای دولت و جامعه ی پاکستان علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

محمد داوند

دکتر محمود غفوری

### چکیده

تحلیلگران همواره در بررسی تهدیدهای دولت و نیروهای اجتماعی پاکستان علیه امنیت ملی ایران، دیدگاهی حداقلی داشته و صرفاً به تبیین تهدیدها یکی از دوحوزه ی دولت یا جامعه ی این کشور بسنده نموده‌اند. در مقاله ی پیش‌رو، علاوه بر بازشناسی تهدیدهای امنیتی دولت و نیروهای اجتماعی پاکستان، تهدیدهایی که ناشی از کنش و واکنش دوحوزه ی مزبور هستند، نیز تحلیل می‌گردد. بنابراین، در ابتدا بر اساس نظریه ی سازه‌نگاری، تهدیدهای ناشی از جامعه ی پاکستان که منبعث از مسائل هویتی بوده و در شکل بنیادگرایی اسلامی و تجزیه‌طلبی، علیه امنیت ملی ایران بروز می‌کنند، بررسی می‌شوند. سپس بر اساس نظریه ی نئورالیسم نشان داده می‌شود که منافع متعارض دولت پاکستان با ایران، منجر به تسهیل حضور نیروهای نظامی آمریکایی و ناتو در منطقه شده و همچنین خطرات امنیتی ناشی از تسلیحات اتمی این کشور برای ایران، قابل ملاحظه هستند. در پایان با در نظرداشت مفروضه ی اصلی نظریه ی عام سیستم‌ها مبنی بر تعامل اجزای یک سیستم، تهدیدهای ناشی از قاچاق و ترانزیت مواد مخدر و مسئله ی افغانستان که حاصل همکاری دولت و جامعه ی پاکستان علیه امنیت ملی ایران بوده، تحلیل می‌گردد. یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد که بررسی تهدیدهای پاکستان علیه امنیت ملی ایران، مستلزم شناخت پیچیدگی‌های خاص محیط اجتماعی و سیاسی این کشور است.

**کلیدواژه‌ها:** امنیت ملی، ایران، دولت پاکستان، جامعه پاکستان، تهدیدهای دوسویه.

\*Email: m.ghafouri@mail.uk.ac.ir

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

\*\*Email: davand.uk.ac.ir@gmail.com دانشجوی کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی دانشگاه شهید باهنر کرمان

## مقدمه

بخشی از متون روابط بین‌الملل امروزی، با تأثیر از انقلاب اطلاعات و ارتباطات بر کاهش نقش عامل جغرافیا در عرصه ی روابط بین‌الملل تأکید می‌کنند. با وجود این، عامل جغرافیا و به ویژه همجواری هم‌چنان به عنوان یک عنصر مهم در روابط کشورها نقش‌آفرینی می‌کند و بدون در نظر گرفتن روابط کشورها با همسایگان، برآورد امنیت و منافع ملی آن‌ها، امری غیرممکن است. جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از پانزده همسایه ی ارضی و دریایی، حوزه ی بزرگی از همسایگان متفاوت با توانایی‌های متفاوت در کنار خود دارد. روابط با همسایگان، خواسته یا ناخواسته، دوستانه یا خصمانه، تأثیرات تعیین‌کننده‌ای بر امنیت و تمامیت ارضی هر کشوری دارد. (جوادی‌ارجمند و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۲)

در این ارتباط واعظی به نقل از ریچارد هاس می‌نویسد: «موقعیت جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران از حیث همسایگان و نیز منطقه‌ای که در آن واقع شده است، تهدیدهای بالقوه و بالفعل مختلفی را در مقابل آن قرار می‌دهد. ایران در منطقه ی خاورمیانه واقع شده که یکی از بی‌ثبات‌ترین مناطق دنیا به شمار می‌آید، منطقه‌ای که به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک آن و دخالت و رقابت قدرت‌های بزرگ، همواره در معرض کشمکش، آشوب و خشونت بوده است و نه تنها امید چندانی به بهبود وضعیت آن در کوتاه مدت نمی‌رود، بلکه برخی از تحلیلگران این احتمال را مطرح نموده‌اند که آینده ی این منطقه، تاریک‌تر از گذشته خواهد بود.» (واعظی، ۱۳۹۰: ۲۵) از طرفی شناخت دقیق و صحیح فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی نظام جمهوری اسلامی ایران، در کنار بررسی ضعف‌ها و قوت‌های آن، توانایی لازم را برای حفظ و افزایش منافع ملی فراهم و به بالا بردن توان امنیت ملی کمک می‌نماید. شکست‌ها و ناکامی‌ها در عرصه ی داخلی و خارجی، عمدتاً به تحلیل نادرست از فرصت‌ها و تهدیدها برمی‌گردد. (بهمنیار، ۱۳۸۹: ۱) به طور کلی ایران از لحاظ منطقه‌ای از ۵ ناحیه در معرض تهدیدهای امنیتی قرار دارد:

۱. تهدیدات امنیتی کشورهای حوزه خلیج فارس برای ایران؛

۲. تهدیدات امنیتی عراق برای ایران؛

۳. تهدیدات امنیتی ترکیه برای ایران؛

۴. تهدیدات امنیتی آسیای مرکزی و قفقاز برای ایران؛

۵. تهدیدات امنیتی پاکستان و افغانستان برای ایران.

در مقاله ی پیش رو، به چند علت از بررسی تهدیدهای چهار منطقه ی نخست به همراه کشور افغانستان صرف نظر نموده و به بازشناسی تهدیدهای امنیتی پاکستان علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بسنده شده است. این علل به این شرح است: یکم، با توجه به این که سطح روابط ایران و پاکستان در بعضی از حوزه ها افزایش یافته است، نباید در بررسی و تحلیل چالش های امنیتی فزاینده ی این کشور برای ایران غفلت ورزید. دوم، به جرأت می توان مدعی شد که فقدان یک پژوهش جامع در زمینه ی تهدیدهای امنیتی پاکستان علیه ایران به عنوان یک تهدید فزاینده، ریشه دار و چند جانبه به وسیله ی بسیاری از دانش-پژوهان علوم سیاسی و روابط بین الملل، در داخل و خارج از ایران محسوس است؛ چرا که بررسی ماهیت تهدیدهای مزبور، مستلزم در نظر داشت تحولات اجتماعی و فرهنگی پاکستان از یک سو و رصد سوابق اقدامات نخبگان سیاسی این کشور در قبال ایران از سوی دیگر است. سوم، پاکستان تنها کشور همسایه ی ایران است که دارای تسلیحات اتمی است و ایران همسایه ی شبه قاره بوده و نمی تواند از تحولات امنیتی این منطقه، از جمله از پیامدهای نظامی-شدن برنامه های هسته ای پاکستان تأثیر نپذیرد. (سجادپور و قهرودی، ۱۳۹۰: ۲۲۸) چهارم، پاکستان به همراه افغانستان، تنها همسایگان ایران هستند که در زمینه ی قاچاق مواد مخدر، تهدیدهای منحصر به فردی را متوجه منافع جمهوری اسلامی ایران می نمایند و پنجم این که، شرایط مناسب برای رشد رادیکالیسم اسلامی و بی ثباتی سیاسی در پاکستان، زمینه های مساعدی را برای دخالت قدرت های فرامنطقه ای، مانند حضور نظامیان ناتو در منطقه جهت مبارزه با افراطیون فراهم نموده است که این عامل، مغایر با اهداف امنیت ملی ایران است.

#### پیشینه ی تحقیق

در ارتباط با این پژوهش، تحقیقاتی هرچند غیرمستقیم اما سودمند، صورت پذیرفته است که هر یک، تنها ابعاد خاصی از تهدیدهای پاکستان علیه امنیت ملی ایران را ذکر نموده اند. مقاله ی "ایران و تهدیدهای ناشی از بی ثباتی در افغانستان و پاکستان" نوشته ی محمود واعظی

از جمله ی این آثار است. در این مقاله نویسنده دو کشور همسایه شرقی ایران، افغانستان و پاکستان را به دلیل داشتن مشکلات امنیتی، تهدیداتی بالقوه و بالفعل علیه امنیّت ملی و توسعه ی جمهوری اسلامی ایران می‌داند. (واعظی، ۱۳۹۰: ۱۵-۴۵)

مقاله ی دیگری تحت عنوان "فراز و نشیب روابط ایران و پاکستان: از رقابت تا همکاری" نوشته ی ولی کوزه‌گر کالجه در این ارتباط قابل ذکر است. نویسنده، وقوع انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ در ایران رانقطه ی پایانی بر مناسبات مستحکم پادشاهی ایران باکشور پاکستان و آغاز فصل تازه‌ای از روابط میان اسلام‌آباد و تهران می‌داند که موجب شد طیف گسترده‌ای از رقابت و همکاری میان دو کشور آغاز گردد. (Kouzehgar Kaleji, 2012: 141-178)

مقاله ی شاه عالم نیز با عنوان "روابط ایران- پاکستان: ابعاد سیاسی و استراتژیک"، روابط این دو کشور را متأثر از اختلاف در منافع سیاسی منطقه‌ای و جهانی می‌داند. (Alam, 2004: 526-545)

هارش پانت نیز، در مقاله‌ای تحت عنوان "روابط غیرکارکردی ایران و پاکستان" عمده توجه خود را معطوف به این موضوع نموده است که تا زمانی که دفاع از منافع فرقه‌ای شیعه و سنی از جانب دولت‌های ایران و پاکستان ادامه داشته باشد، نیروهای ایالات متحده آمریکا و ناتو قادر به تأمین ثبات در افغانستان نخواهند بود. (Pant, 2009: 43-50)

در تمامی آثار یاد شده، تهدیدهای پاکستان علیه امنیّت ملی ایران، دسته‌بندی و تحلیل نگردیده است. به این معنی که غالباً مرز بین تهدیدات دولت و نیروهای اجتماعی پاکستان خلط و محو گردیده است. این مسئله علاوه بر این که امکان یک بررسی جامع و تئوریک را از بین می‌برد، بررسی علمی برآیند تهدیدهای دولت و جامعه پاکستان را نیز نسبت به امنیّت ملی ایران بی‌اهمیت می‌سازد. بر این اساس در این نوشتار، در پی پاسخ به این سؤال هستیم که چه تهدیدهایی از سوی دولت-کشور پاکستان علیه امنیّت ملی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد؟ برای پاسخ به این سؤال در عین تفکیک مؤلفه‌های تهدیدزا از سوی جامعه و حکومت پاکستان، تلفیق تهدیدهای این دو حوزه نیز مدّ نظر است. از این طریق، سعی بر آنست که هم مخاطب با تمامی ابعاد و اضلاع تهدیدهای مزبور آشنا گردد و هم این که ضعف پراکنده‌نویسی در این باب در آثار موجود، پوشش داده شود. در ضمن، نوع تحقیق حاضر توصیفی- تحلیلی و شیوه ی تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز، شیوه ی تحلیل کیفی است.

### ۱- سازه‌انگاری و تهدیدنیروهای اجتماعی پاکستان علیه امنیت ملی ایران

در مقابل رهیافت‌های دولت محور، تأکید سازه‌انگاری بر نقش فرهنگ و هویت در روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی، توجهات را به سوی رویارویی فرهنگ‌ها و نقش آن در بروز منازعات جلب کرده است. سازه‌انگاران معتقدند دولت‌ها و نیروهای اجتماعی، بر اساس هویت‌شان، دشمنان، رقبا و دوستان خود را درک می‌کنند و در این فرایند، هویت خود را تعریف و باز تعریف می‌نمایند. آن‌ها بر اساس انتظاری که از دیگران دارند، رفتارشان را تنظیم می‌نمایند. (یزدان فام، ۱۳۹۱: ۷۳۷) سازه‌انگاران سرچشمه‌ی امنیت و ناامنی را در نحوه‌ی تفکر بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوعات، خصوصاً منافع و تهدیدها می‌دانند و اذعان دارند امنیت بیش از آن که بر عوامل مادی قدرت متکی باشد، بر میزان فهم و درک مشترک بازیگران از یکدیگر قرار دارد. آنان به نقش هویت در شکل‌گیری کنش، اهمیت بسیاری می‌دهند و معتقدند، هویت‌ها در نوع، شکل و میزان موفقیت کنش‌ها، ایفای نقش می‌نمایند. (عباسی‌اشلقی و فرخی، ۱۳۸۸: ۸۴)

با واکاوی مفروضات مراجع پنجگانه‌ی امنیت (فرد، رژیم، جامعه، حکومت و جامعه جهانی) (احمدی‌پور و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰-۲۵)، تهدیدهای جامعه‌ی (به عنوان یکی از مراجع امنیت) پاکستان علیه امنیت ملی ایران، با مؤلفه‌های سازه‌انگاری مطابقت نظری دارد. در این ارتباط از آنجایی که سازه‌انگاران به نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل بسیار تأکید می‌ورزند، (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۳۲۶) به همان ترتیب دیدگاه جامعه‌محور به جای تکیه بر اقتدار یا قدرت، امنیت اجتماعی، هویت را جانشین آن می‌سازد و تحصیل امنیت را در گرو تثبیت و تقویت عقاید، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و حفاظت از صورت‌بندی‌های الگوهای سنتی زبان، گویش، فرهنگ، آداب و رسوم و... می‌داند و تهدیدهای امنیت نیز، زمانی حادث می‌شود که عوامل درونی یا اقتضائات محیط بیرونی، حفظ الگوها، ساختارها و هویت‌های یادشده را در معرض مخاطره قرار دهد. رابرت ماندل در این باره، توسعه‌ی ابعاد امنیت را در متغیرهای حفظ هویت مردم، جامعه محوری و امنیت فرهنگی می‌داند. (احمدی‌پور و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۲)

آن چه مهم است این که اگرچه در بررسی افراط‌گرایی در پاکستان، باید میان مردم از یک سو و گروه‌های افراطی مذهبی از سوی دیگر تفکیک قائل شد؛ اما به این دلایل که اولاً

تعداد مدارس مذهبی دیوبندی‌ها به مراتب بیشتر از مدارس مذهبی بریلوی‌هاست و ثانیاً نمی‌توان محدوده ی جغرافیایی خاصی برای بروز افراط‌گرایی در پاکستان مشخص کرد و ثالثاً با توجه به گستردگی مدارس مذهبی دیوبندی به عنوان مبلغ و مروج تندروی در سراسر پاکستان، همه ی این سرزمین در معرض افراط‌گرایی قرار داشته و با شدت و ضعف آن را تجربه کرده است، (شفیعی و قلیچ‌خان، ۱۳۸۹: ۵-۱۱) می‌توان گروه‌های افراطی را برخاسته از بطن جامعه ی پاکستان دانست. بنابراین منظور از تهدیدهای نیروهای اجتماعی کشور پاکستان در این تحقیق، تهدیدهای افراطیون این کشور است که شامل طیف گسترده‌ای از مکاتب، احزاب، گروه‌ها، اقوام، قبایل و... است. برای تجزیه و تحلیل تهدیدهای نیروهای اجتماعی پاکستان علیه امنیت ملی ایران در چارچوب نظریه ی سازه‌انگاری، دو تهدید بنیادگرایی اسلامی در پاکستان و تجزیه‌طلبی در چارچوب مسائل هویتی، قابل تبیین هستند.

#### ۱-۱- گروه‌های بنیادگرای (افراطی) پاکستان

عموماً بنیادگرا به آن دسته از افراد یا گروه‌ها اطلاق می‌شود که برای تحمیل عقاید، باورها و ارزش‌های اخلاقی خود به دیگران، دست به دامان خشونت می‌شوند (Baqal, 2011: 1) در فرهنگ لغات سیاسی آکسفورد، از بنیادگرایی اسلامی برای توصیف هر حرکتی که خواهان اجرای کامل و بی‌چون و چرای آموزه‌های قرآن و شریعت باشد، استفاده شده. (McLean, 1996: 251) در همین ارتباط، سازمان‌های دینی و مذهبی- سیاسی فعال در پاکستان از لحاظ سازوکار وجودی، فاقد ساختار مناسب با اهداف خود هستند. از این رو، توازن بین ساختارها و سیاست‌های آن‌ها عمدتاً برهم خورده است. ساختار گروه‌های اسلامی آن کشور «ساختار فرقه‌ای» است که بر مبنای اعتقادات و باورهای خصمانه ی مذهبی خاص استوار شده است. بافت فرهنگی جامعه و نیز غلبه ی فرهنگ مذهبی به فرهنگ سیاسی در محافل دینی و توده‌ای، تبدیل پدیده‌های مذهبی به سیاسی و سیاسی به مذهبی را به شدت تسهیل کرده است. (عارفی، ۱۳۸۲: ۱۵۲) در این کشور آموزه‌های رادیکالیسم در بستر ایدئولوژی حاکم بر اندیشه ی دینی اهل سنت شکل گرفته است و هماهنگی کامل بین آن‌ها وجود دارد. (احمدی و بیدالله‌خانی، ۱۳۹۱: ۲۶) از طرفی رشد فزاینده ی ناامنی در پاکستان، این گرایش و ذهنیت

را در میان مردم به وجود آورده که دولت و ارتش، قادر به حفظ نظم و قانون نیستند. اینچنین گرایش‌ها و ذهنیت‌هایی در بین مردم پاکستان، باعث شده تا آن‌ها جهت برقراری نظم و قانون به گروه‌های اسلامگرا، گرایش بیشتری پیدا کنند؛ زیرا به باور آن‌ها، دولت از درون خود چنان از هم گسسته و در نزاع‌های داخلی و فساد فرو رفته است که هیچ نوع امیدی برای تغییر و اصلاح وضعیت موجود از سوی آن نمی‌رود. (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۹۴)

بنابراین، مجموع عوامل؛ روابط غیرکارکردی حوزه‌های سیاست و مذهب گروه‌های اسلامگرا در پاکستان بعلاوه وجود اندیشه‌ی وهابیت و همچنین ناکارآمد بودن دولت در ایجاد امنیت، باعث ترویج روزافزون عقاید ضدّ شیعی و ضدّ ایرانی در بستر نیروهای اجتماعی این کشور در قالب انواع تهدیدها علیه امنیت ملی ایران شده است. به طوری که برخی از تحلیلگران، مهم‌ترین عامل اختلاف بین ایران و پاکستان را منافع فرقه‌ای و هویتی شیعه و سنی می‌دانند. (Pant, 2009: 43-50) برای فهم دقیق تهدیدهای مزبور، آشنایی بامبانی عقیدتی ضدّ شیعی اصلی‌ترین گروه‌های رادیکال پاکستان (سپاه صحابه و لشکر جنگجوی)، اجتناب ناپذیر است.

**الف - سپاه صحابه:** این گروه در بدو امر «انجمن سپاه صحابه» نام داشت و یکی از فرقه‌های سنی مذهب پاکستان است که ادعا می‌شود به طور مستمر، درگیری‌های خشونت بار علیه جامعه‌ی شیعی پاکستان را در اولویت کار خود قرار داده است. سپاه صحابه یکی از پنج گروهی است که در ۱۲ ژانویه ۲۰۰۲، به وسیله‌ی پرویز مشرف منحل اعلام شد. این گروه پس از ممنوعیت به «ملت اسلامی پاکستان» تغییر نام داد. یکی از برنامه‌های سپاه صحابه، تبدیل دولت پاکستان به یک دولت سنی است. در همین ارتباط مولانا ضیاءالقسیم، یکی از رهبران برجسته‌ی سپاه صحابه، در مصاحبه‌ای در ژانویه ۱۹۹۸ اعلام کرد، دولت به شیعیان بیش از حد اهمیت می‌دهد؛ چرا که آن‌ها در همه‌جا هستند؛ در رادیو، در تلویزیون، روزنامه‌ها و پست‌های کلیدی که این بسیار ناامید کننده است. سپاه صحابه، شیعیان را مسلمان نمی‌داند و به عنوان واکنشی در قبال انقلاب شیعی ایران تأسیس شده است.

(South Asian Terrorism Portal, 2013) سپاه صحابه در هر ۴ ایالت پاکستان رسوخ کرده و به عنوان یکی از قوی‌ترین گروه‌های افراطی پاکستان شناخته می‌شود. این گروه موفق به

تأسیس ۵۰۰ دفتر و شعبه در تمام ۳۴ ناحیه ی پنجاب گردیده است و حدود ۱۰۰ هزار کارگر استخدامی در پاکستان دارد. سپاه صحابه همچنین ۱۷ شعبه در کشورهای خارجی همچون، امارات متحده عربی، عربستان، بنگلادش، کانادا و انگلستان دایر نموده است. (Kamran, 2008: 9)

ب- **لشکر جنگجوی:** برخی نقل می کنند که لشکر جنگجوی در سال ۱۹۹۶ به وسیله ی اعضای ارشد سابق سپاه صحابه، کسانی که معتقد بودند سپاه صحابه از آرمان اولیه ضدّ شیعی خود دور شده، تأسیس شده است. (South Asian Terrorism Portal, 2012) برخی نیز مدعی هستند که لشکر جنگجوی، به وسیله ی رهبران سپاه صحابه، به عنوان یک شاخه ی نظامی فعال و جدا از جناح های سیاسی تأسیس شد تا به پیشبرد اهداف سیاسی سپاه صحابه از طریق ادامه ی اقدامات خشونت بار فرقه ای، کمک نماید. (Jamal, 2012: 5-7) لشکر جنگجوی اهداف خود را بدین شرح اعلام داشته: ایجاد پاکستان سنی مذهب؛ از طریق روش های خشونت-آمیز، ترویج و اعلام نامسلمانان شیعیان و از میان برداشتن پیروان دیگر ادیان به خصوص یهودیان، مسیحیان و هندوها. (Australian National Security website, 2012) در اینجابه دو تهدید عمده ی گروه های بنیادگرای پاکستان علیه امنیّت ملی جمهوری اسلامی ایران اشاره می شود.

### ۱-۱-۱. مقابله با افزایش نفوذ ایران در سطح منطقه ای و بین المللی

از زمان انقلاب ایران، بسیاری از شیعیان پاکستان به ایران به عنوان یک رهبر معنوی و سیاسی می نگرند. (Zambelis, 2006: 1) همین باعث شد تا کشورهای عرب منطقه برای جلوگیری از نفوذ عقیدتی تشیع، سرمایه گذاری زیادی بر تبلیغ مسائل مذهبی کنند. کشور پاکستان به دلیل جمعیت زیاد و فقر مضاعف، یکی از بهترین محیط های سرمایه گذاری برای مقابله با نفوذ ایران بود. ظهور نیروهای ضدّ شیعی از جمله سپاه صحابه و اهل حدیث، به دلیل مقابله با نفوذ ایران در منطقه به وجود آمد (جوادی ارجمند و... ۱۳۹۱: ۶۵) و آن چه که سبب شده تا فعالیت های این گروه ها تأثیر سوء بر روابط ایران و پاکستان داشته باشد، گرایش های ضدّ ایرانی - ضدّ شیعی آن هاست که مبتنی بر برداشت های سطحی و افراطی از آموزه های سنی است. (KouzehgarKaleji, 2012: 151) این آموزه ها عمدتاً از طریق مدارس دینی یه گروه های مزبور منتقل می شود. مدارس دینی دایر در پاکستان، یکی از منابع عقیدتی گروه های افراطی



جهت مقابله با انقلاب شیعی ایران است. چهار عامل اساسی که در رشد مدارس دینی در پاکستان نقش داشته‌اند، عبارتند از: ۱- قدرت‌یابی ژنرال ضیاءالحق؛ ۲- بحران کشمیر؛ ۳- بحران افغانستان؛ ۴- انقلاب اسلامی ایران. (عارفی، ۱۳۸۲: ۸۱) نمود رشد مدارس دینی به وضوح، درآموزه‌های سپاه صحابه منعکس شده است. این گروه در جزوه‌ای با نام «افشای چهره ی واقعی انقلاب اسلامی» آورده است: «انقلاب اسلامی ایران، توطئه‌ای جهانی علیه اسلام است. انقلاب خمینی اولین تلاش عمده ی شیعیان برای گسترش شیعه‌گری (شیعیسم) در سراسر اروپا از طریق ترکیه تا روسیه و از طریق کشورهای مسلمان آسیای میانه و تا سریلانکا از طریق پاکستان بود ... اهل سنت در ایران تحت آزار و شکنجه هستند... دانشجویان اهل سنت در دانشگاه‌های ایران مجبور به خواندن متون شیعی هستند؛ لذا دولت پاکستان باید این کشور را یک کشور سنی و شیعیان را غیرمسلمان اعلام کند.» (شفیعی و قلیچ‌خان، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۶)

#### ۱-۲- ترور ایرانیان در پاکستان و تجاوز به خاک ایران

وهابیت که ماهیت آن در مسیر احیای سنت سلفی‌گری است، با پیروزی انقلاب اسلامی و ارتقای موقعیت شیعیان در سطح منطقه و جهان، در مسیری حرکت کرد که موقعیت خود را در پاکستان علیه گروه‌های مخالف بویژه شیعیان تقویت نمود. این امر منجر به درگیری‌های خونینی در این کشور شده است. به هر حال پیروزی انقلاب اسلامی، آنان را در تعقیب اهداف سلفی‌گرایانه خود در پاکستان و در سطوح گوناگون بویژه در سطح عمومی تشویق نمود. در این میان گروه‌های تبلیغی، اجتماعی و فرهنگی فراوانی در این جرگه قرار می‌گیرند. تا جایی که ملا محمد عمر، رهبر طالبان اعلام کرد که شیعیان چیزی بین کفار و مسلمانان هستند و می‌توان آنان را برای عقاید مذهبی‌شان مورد آزار و اذیت قرار داد. این رویکرد خواه ناخواه ایران را به‌عنوان بزرگترین کشور شیعی جهان و پدرخوانده ی شیعیان به چالش می‌خواند. (رشیدی و شاه قلعه، ۱۳۹۱: ۱۰۷-۱۱۰) در اخبار منتشره درباره ی تصمیم‌های گرفته شده در جلسات شورای رهبری سپاه صحابه و سایر گروه‌های افراط‌گرا یا در جزوه‌های توزیع شده به وسیله ی این گروه‌ها، همواره نام تعدادی از مسئولان خانه‌های فرهنگ یا

دیپلمات‌های ایران به عنوان افراد مهدورالدم و کسانی که نام آن‌ها در فهرست ترور قرار دارد، ذکر شده است. در همین فضاست که وابستگان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در شهرهای لاهور و مولتان، صادق گنجی و محمدعلی رحیمی، در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۶ به دست عوامل سپاه صحابه ترور شدند و به شهادت رسیدند. همچنین دو مهندس ایرانی که در یک پروژه پل‌سازی در شهر کراچی مشغول به کار بودند به وسیله ی عوامل افراط‌گرا ترور شدند. در اقدامی دیگر پنج دانشجوی خلبانی سپاه پاسداران که در راولپندی، یک دوره ی آموزشی را طی می‌کردند، هنگام تردد در شهر به دست عناصر سپاه صحابه ترور شدند. (شفیعی و قلیچ‌خان، ۱۳۸۹: ۲۶) همچنین با توجه به هم‌مرز بودن ایران و پاکستان، در چند سال اخیر مناطق خود مختار قبایلی پاکستان، پناهگاه و محل امن آموزش و تردد گروه‌های تروریستی شده است که در نقاط مرزی علیه ایران فعالیت می‌کنند. این گروه‌ها که اکثر آن‌ها در مرزهای شرقی کشور فعالیت می‌کنند، در مناطق قبایلی پاکستان آموزش می‌بینند و از افکار بنیادگرایانه ی آن‌ها تأثیر می‌پذیرند و برای انجام اقدامات تروریستی در ایران برنامه‌ریزی می‌کنند. (احمدی و بیدالله‌خانی، ۱۳۹۱: ۳۳) از این رو با توجه به نفوذ مناسبی که گروه‌های افراطی پاکستان در نواحی مرزی و اقوام حاشیه ی مرز در استان سیستان و بلوچستان برخوردارند، می‌توانند در شرایط بحرانی، تهدیدهای جدی را از داخل خاک ج.ا.ا متوجه ایران نمایند. این امر در زمان حمله ی آمریکا به افغانستان، کاملاً قابل مشاهده بود و این گروه‌ها با نفوذ خود به درون ایران، ناآرامی‌هایی را باعث گردیدند که یکی از عمده‌ترین موارد آن، حمله به کنسولگری پاکستان در زاهدان بود. (خبیری، ۱۳۸۱: ۳۲-۳۰)

## ۲-۱- بلوچستان بزرگ

قوم بلوچ ایران با بلوچ‌های پاکستان در سه متغیر مذهب، زبان و قومیت تجانس دارند. ترکیب این سه متغیر همسو بر همگرایی دو بخش بلوچ‌نشین ایران و پاکستان تأثیر گذاشته و آرمان سیاسی بلوچستان بزرگ را در قالب تلاش برخی نخبگان بلوچ برای کسب هویت مستقل سیاسی «بلوچستان آزاد» پدید آورده است. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۷۵) ارتباط بین پاکستان و گروه‌های رادیکالی که ثبات در داخل و خارج از ایران را به چالش می‌کشند، یک منبع

تنش بین ایران و پاکستان در گذشته بوده است و ممکن است موجب سردی روابط این دو کشور در آینده شود. (Robert and others, 2011:16) ریشه‌ی ایده‌ی بلوچستان بزرگ به سال ۱۹۵۵ باز می‌گردد. در این سال نخبگان حاکم پاکستان «حزب ملی» ایالت کلات (خانات کلات از قرن ۱۶، مرکز مهم حکومت محلی بلوچ بوده است) را ممنوع اعلام کردند. رؤسای طوایف بلوچ که می‌ترسیدند با ظهور یک دولت قومی در پاکستان، خودمختاری خویش را از دست بدهند، حزب دیگری به نام «اوستمان گال» (حزب مردم) تشکیل دادند و پرنس کریم، برادر خان کلات را به ریاست آن انتخاب کردند. حزب پرچم سه ستاره داشت که بیانگر بلوچ‌های پاکستان، افغانستان و ایران بود. هدف این حزب، تشکیل بلوچستان بزرگ اعلام شد. روشنفکران بلوچ در پاکستان و بعدها در ایران، با کسب حمایت نخبگان سیاسی طایفه‌ای، برای ایجاد تصویر ملی بلوچ، فعالانه به خلق ادبیات مربوط دست زدند. آن‌ها از طریق تفسیر و بازتفسیر متون تاریخ باستان، آثار شرق‌شناسان غربی، آثار کلاسیک فارسی و اسلامی، ادبیات بومی ریشه‌های نژادی، میراث فرهنگی مشخص، سنت مقاومت ملی و تداوم تاریخ سیاسی خود را بازشناسی و کشف کردند. (احمدی، ۱۳۷۸: ۲۶۶)

از طرفی پاکستان عمدتاً به وسیله‌ی پنجابی‌ها اداره می‌شود. در این کشور به بلوچ‌ها روی خوشی نشان داده نمی‌شود. بی‌سوادی، فقر، ناتوانی دولت پاکستان در رسیدگی به منطقه‌ی بلوچستان، سبب عقب ماندگی این ایالت شده است. این عوامل موجب پیدایش خیزش‌های جدایی طلبانه‌ای گشته که درگیری‌های مسلحانه ۱۹۷۳-۱۹۷۷ «ماری» یکی از موارد آن است. روزنامه «حب» در مناطقی که ملی‌گرایان بلوچ سکونت دارند، دارای نفوذ زیادی است که از طریق آن بسیاری از سردمداران قوم بلوچ پاکستان، خواستار توجه بیشتر به زبان و ادبیات بلوچی در ایران شده‌اند. استقرار طوایف بلوچ در فاصله‌ی مرزهای سه کشور ایران، افغانستان و پاکستان به نحو طبیعی باید باعث تفاهم و هماهنگی سه جانبه‌ای برای کنترل استراتژیک قلمرو بلوچ‌نشین شود. (حافظ نیا و کاویانی، ۱۳۸۵: ۳۲-۳۳)

در این میان، پیوندهای قومی و قبیله‌ای پشتون‌ها و بلوچ‌ها و پیروی برخی از گروه‌های افراطی آن‌ها از سلفی‌گری مورد حمایت طالبان و القاعده در این منطقه، می‌تواند تهدیدهایی جدی علیه امنیت ملی ایران پدید آورد. خیزش‌های جدایی طلبانه مسلحانه‌ی قومی، حملات

ایذایی چریکی و سبک و روش جنگ‌های جهادی، از جمله تهدیدهای خطرناک علیه امنیّت قومی استان‌های مجاور مرزهای شرقی ایران به شمار می‌رود. نفوذ عوامل القاعده و تفکر طالبانیسم در برخی از جنبش‌های قومی بلوچ، می‌تواند به تبانی گروه‌های تروریستی، شبکه‌های جنایی سازمان‌یافته، احزاب ناسیونالیستی افراطی، بنیادگرایی دینی و غیره بینجامد و به تدریج جبهه‌ای سیاسی- نظامی برای جمهوری اسلامی ایران در استان‌های مجاور شرقی باز کند. از آنجایی که ناامنی‌ها در مرزهای شرقی ایران ایجاب می‌کند که به مسائل و تحولات این منطقه پس از تحولات ۱۱ سپتامبر بیشتر توجه شود، بعضی از مقامات ارشد دولتی ایران معتقدند که گروه جندالله، تحت تأثیر تفکرات طالبانیسم هستند. (پیشگاه‌ها دیان، ۱۳۸۶: ۱-۲)

گروه جندالله مدعی بود که ۱۰۰۰ مبارز در اختیار دارد و ۴۰۰ سرباز ایرانی و تعداد بیشتری از غیرنظامیان ایرانی را به قتل رسانده است. نام این گروه در ابتدا جندالله بود؛ اما پس از مدتی به "جنبش مقاومت مردمی ایران" تغییر نام داد. این گروه همچنین ارتباطات نزدیکی با ناسیونالیست‌های بلوچ دارد و سازمان‌های ضد شیعی مانند لشکر جنگجوی از این گروه افراطی حمایت می‌کنند. (AliKhan, 2012: 130-132) پس از گروهک جندالله، گروهک‌های تروریستی دیگری مانند «انصار» در سیستان و بلوچستان و «جیش العدل» اعلام موجودیت کردند که مناطق مرزی پاکستان و ایران، محل استقرار اصلی گروهک اخیر است.

روشن است که اقدامات گروهک‌های تروریستی یاد شده با مشارکت سیاسی فعال و رفتار انتخاباتی مردم استان سیستان و بلوچستان در سال‌های اخیر، محکوم به شکست بوده است؛ اما به اعتقاد حافظ‌نیا و کاویانی، آینده ی بلوچستان پاکستان، بر استان سیستان و بلوچستان به ویژه بخش میانی یا سرحد در نتیجه بر تمامیت ارضی و وحدت ملی ایران تأثیر خواهد گذاشت.

## ۲- ثنورثالیسم و تهدیدهای ناشی از آن علیه امنیّت ملی جمهوری اسلامی ایران

از آن جایی که از دید ثنورثالیسم، دولت‌ها در صحنه‌ی روابط بین‌الملل بازیگر اصلی هستند، از این رهیافت می‌توان برای تبیین و تحلیل تهدیدهای دولت پاکستان علیه امنیّت ملی جمهوری اسلامی ایران بهره گرفت. بنابراین با توجه به مفروضات نظریه ی ثنورثالیسم، به مهمترین این تهدیدها اشاره می‌شود.

## ۱-۲- برخورداری دولت پاکستان از تسلیحات هسته‌ای

مشیرزاده به نقل از والتز می‌نویسد «در نظام بین‌الملل توزیع توانمندی‌ها در میان واحدها، عامل تمایز آن‌هاست و تعیین می‌کند که هر یک تا چه حد، از توانمندی لازم برای امنیت برخوردار است. (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۱۱۴) با وجود این که دولت‌ها از نظر عملکرد، دارای شباهت‌هایی هستند، در زمینه‌ی توانایی‌ها با هم تفاوت‌های فراوانی دارند. توانایی‌ها در عرصه‌ی بین‌المللی غیرمتوازن و به گونه‌ای نابرابر میان دولت‌ها تقسیم شده است و در عین حال این بعد دارای تحول است و همیشه توزیع توانایی‌ها در عرصه‌ی بین‌المللی به یک شکل باقی نمی‌ماند. (ترابی، ۱۳۸۵: ۳۵۳-۳۵۴) براساس این رهیافت، نگرانی از گسترش تسلیحات هسته‌ای پاکستان به دنبال توان هند در آزمایشات هسته‌ای سال ۱۹۷۴ که خود پاسخی به آزمایشات هسته‌ای چین بود، پدیدار شد. (Cronin and others, 2005: 6) این نگرانی با توانایی پاکستان برای از بین بردن اهداف نظامی و غیرنظامی خارج از کشور با استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، هواپیما و موشک-های بالستیک، دوجندان شده است. افزون بر این، کارشناسان مرکز تحقیقات کنگره‌ی آمریکا معتقدند که پاکستان بین ۲۴ تا ۴۸ سلاح هسته‌ای دارد. (Feickert and Kronstadt, 2003: 10-12) به همین سبب برخورداری دولت پاکستان از تسلیحات هسته‌ای، از جهات مختلف برای امنیت ملی ج.ا. تهدید آفرین است.

در این زمینه، بسیاری از تحلیلگران نگران ناتوانی دولت پاکستان در کنترل تسلیحات هسته‌ای این کشور، در پی بی‌ثباتی سیاسی مداوم در این کشور هستند و از این می‌ترسند که با روی کار آمدن یک دولت افراطی در پاکستان، آن‌ها به این تسلیحات دسترسی پیدا کنند. (Kerr and Nikitin, 2013: 16) این فرض با ادعای شاون گریگوری، استاد دانشگاه برادفورد بریتانیا که معتقد است شبه نظامیان از سال ۲۰۰۷ سه بار به تأسیسات هسته‌ای پاکستان حمله کرده‌اند (سجادپور و قهرودی، ۱۳۹۰: ۲۴۱)، قوت می‌یابد. بنابراین تضعیف کنترل دولت مرکزی بر رویدادهای کشور و تبدیل آن به دولتی ورشکسته، این احتمال را به وجود می‌آورد که کنترل تسلیحات هسته‌ای پاکستان به دست عناصر افراطی به ویژه ابادی القاعده

بیفتد که در آن صورت نه تنها هند، بلکه تمامی منطقه از جمله ایران با خطر بالقوه ی به کارگیری این سلاح مواجه خواهد شد. (بشری، ۱۳۸۷: ۱)

## ۲-۲- حمایت دولت پاکستان از حضور نیروهای نظامی آمریکا و ناتو در منطقه

نواقح گرای سرشت نظام بین‌المللی را نقطه ی عزیمت خود می‌داند. آنارشی در نظام بین‌المللی، به معنای این است که هر یک از واحدهای تشکیل دهنده ی نظام، مسئول امنیّت خود هستند و هر دولت آزاد است تا هر طور که مناسب تر می‌بیند، به تعقیب اهداف داخلی و خارجی خود همت گمارد. در عین حال، اهداف و منافع دولت‌ها لزوماً با هم همسو نیستند. تعارض در منافع، به تعارض در اقدامات منجر می‌شود. این تعارض‌ها ممکن است از طریق مصالحه حل شوند و یا به مرحله ی توسل به زور برسند. (تریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۲۸) براساس این برداشت، دولت پاکستان همواره از کمک‌های اقتصادی و نظامی آمریکا بهره‌مند شده است؛ به طوری که بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ ایالات متحده به دولت پاکستان تقریباً ۱۹ میلیارد دلار کمک مالی اعطا نموده که ۱۰ درصد این مبلغ به منظور کمک به توسعه ی پاکستان بوده و ۷۵ درصد نیز برای کمک نظامی به این کشور اختصاص داده شده است. (AkbarZaidi, 2011: 5) بنابراین، اختلاف در منافع و اهداف و متعاقباً تعارض در اقدامات پاکستان و ایران، در مقابل حضور نیروهای نظامی آمریکا و ناتو در منطقه، ریشه در وابستگی‌های چندجانبه ی پاکستان به آمریکا دارد. برای نمونه بعد از سپتامبر ۲۰۰۱ که حضور نیروهای نظامی ایالات متحده در کشورهای افغانستان، پاکستان و آسیای مرکزی روند افزایشی داشت و جرج بوش در ژانویه سال ۲۰۰۲، ایران را قسمتی از محور شرارت نامید، حمایت دولت پاکستان از سیاست‌های آمریکا در افغانستان و حضور نظامیان آمریکایی در پاکستان، در حالی بود که ایران خود را در محاصره ی آمریکا می‌دید. همین مسئله باعث سوءظن شدید تهران در چشم‌انداز روابط باثبات با پاکستان شد. (Alam, 2004: 537)

به این ترتیب حمایت پاکستان از حضور نیروهای نظامی آمریکا و ناتو در منطقه، از دو منظر برای ایران تهدیدزاست: اول این که نفس حضور این نیروها در همسایگی ایران، با توجه به نوع روابط ایران با آمریکا، نوعی تهدید بالقوه علیه ایران محسوب می‌شود و

نگرانی دوم نیز بر این مبنا استوار است که ادامه ی حضور نیروهای نظامی خارجی، سبب تشویق و توسعه ی افراط‌گرایی و گسترش تحرکات تروریستی در منطقه گردیده است؛ در نتیجه، مانع از استقرار ثبات دائمی می‌شود. (واعظی، ۱۳۹۰: ۳۲)

جدول تهدیدهای دولت و جامعه ی پاکستان علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

تهدیدات جامعه پاکستان	سازمانگاری	تضاد هویتی نیروهای اجتماعی رادیکال پاکستان با شیعیان ایران	مقابله با افزایش نفوذ ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی
		همگرایی هویتی بلوچ‌های پاکستان با بلوچ‌های ایران	ترور ایرانیان در پاکستان و تجاوز به خاک ایران
		تجزیه طلبی و بلوچستان بزرگ	
تهدیدات دولت پاکستان	نئورنالسیم	توانایی‌های نابرابر دولت‌های ایران و پاکستان در نظام بین‌الملل	تهدیدات متفاوت تسلیحات هسته‌ای پاکستان علیه امنیت ملی ایران
		تعارض در منافع دولت‌های ایران و پاکستان در نظام بین‌الملل	حمایت دولت پاکستان از حضور نیروهای نظامی آمریکا و ناتو در منطقه

### ۳- نظریه ی عام سیستم‌ها و تهدیدهای نیروهای اجتماعی و دولت پاکستان علیه امنیت ملی ایران

واضع نظریه ی عام سیستم‌ها بر تالانفی بود که در دهه ی ۱۹۵۰ مشاهدات خود را در قالب یک نظریه ی جهان شمول عرضه کرد. (نقیب‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۶۲) سیستم را می‌توان مجموعه‌ای از واحدهای مشخص دانست که با یکدیگر در تعامل‌اند و کلیتی واحد با کارویژه‌ای را تشکیل می‌دهند. بر تالانفی، سیستم را به عنوان مجموعه‌ای از واحدها که بین خود ارتباط متقابل دارند، تعریف کرده است. (دوران، ۱۳۷۱: ۱۴) بدین ترتیب نظام یا سیستم در درون خود از یک ساختار برخوردار است و از طریق خروجی‌ها بر پیرامون اثر می‌گذارد و خروجی‌ها در پیرامون با داده‌ها و عناصر و نظام‌های دیگر برخورد کرده و پیرامون تأثیرات، خود را از طریق ورودی‌ها به نظام منتقل می‌سازد. (نقیب‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۶۳) برای تجزیه و تحلیل تهدیدهای دو سطح نیروهای اجتماعی و دولت پاکستان علیه امنیت ملی ج.ا.ا. در چارچوب نظریه عام سیستم‌ها، لازم است ضمن شناخت عوامل ربط دهنده ی این دو سطح در یک سیستم تهدیدآفرین، بازخورد عوامل و عناصر تهدیدزای مشترک در دو سطح مزبور بر امنیت ملی ایران سنجیده شود. یکی از زمینه‌هایی که باعث تداوم نظام‌مند تهدیدهای دو عرصه ی

دولت و نیروهای اجتماعی پاکستان علیه امنیّت ملی ایران می‌شود، بی‌ثباتی سیاسی و مداخله ی نظامیان این کشور در عرصه ی سیاست است. حکومت در پاکستان، معمولاً از تعامل نظامیان، سیاستمداران سکولار و اسلام‌گرایان شکل می‌گیرد و در واقع این سه گروه، صحنه‌گردان سیاست در پاکستان هستند. از این رو، همواره رقابت میان این گروه‌ها، برای دستیابی به قدرت وجود داشته است. ارتش، سیاست‌مداران سکولار و نیروهای اسلام‌گرا، به تنهایی نمی‌توانند برای مدت طولانی قدرت را در اختیار داشته باشند؛ لذا همواره برای برقراری ائتلاف با سایر نیروهای مؤثر، جهت کسب یا استمرار قدرت در پاکستان تلاش می‌کنند. (واعظی، ۱۳۸۶: ۱-۲) در این میان، پاکستان نمونه‌ای از کشورهای در حال توسعه معرفی می‌شود که در آن نظامیان در سیاست، نفوذ گسترده‌ای داشته‌اند و تمایل دارند نقش حاکم یا داور را در صحنه ی سیاسی کشور خود داشته باشند. (لطفیان، ۱۳۸۸: ۲۳۷) در همین راستا، هم ارتش و هم سرویس اطلاعات و امنیّت پاکستان (ISI)، از رادیکالیسم اسلامی برای پیشبرد اهداف خود در عرصه‌های داخلی و خارجی استفاده می‌کنند. (Oakley and Gady, 2009: 1)

بنابراین با دخالت نیروهای نظامی و شبه نظامی پاکستان در سیاست، آن‌ها به شکل غیر-مشروعی بین نیروهای اجتماعی رادیکال و سازمان‌های دولتی، یک رابطه ی متقابل برقرار کرده‌اند. به همین ترتیب، بی‌ثباتی سیاسی، فضایی مناسب برای رشد بنیادگرایی در پاکستان پدید آورده و میدان را برای نیروهای مدنی بسیار تنگ کرده است. (دهشیار، ۱۳۸۶: ۷) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت گروه‌های بنیادگرا (برخاسته از جامعه پاکستان) و سازمان‌های دولتی از قبیل ارتش و آی اس آی، بازیگران اصلی صحنه ی سیاست در پاکستان هستند که ماحصل زدوبندهای سیاسی بین آن‌ها علاوه بر تعیین تحولات سیاسی و اجتماعی این کشور، در سیاست خارجی پاکستان مؤثر است. از این روست که واعظی می‌نویسد: «شیوع افراط-گرایی در پاکستان در ترکیب با دولت ضعیف، آینده ی نامعلومی را پیش روی این کشور می‌گذارد. برخی پیش‌بینی‌ها از جمله پیش‌بینی سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، حاکی از سقوط پاکستان به ورطه ی دولتی بی‌ثبات، ظرف دهه ی آینده است. در صورت وقوع چنین اتفاقی، تبعات گسترده ی آن، دامن‌گیر همسایگان این کشور از جمله ایران خواهد شد. براین اساس می‌توان گفت وجود دولتی بی‌ثبات در مرزهای شرقی ایران، می‌تواند تهدیدهایی



را در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت، متوجه توسعه و امنیت کشور نماید.» (واعظی، ۱۳۹۰: ۲۷) در زیر به برخی از این تهدیدها اشاره می‌شود.

### ۳-۱. مسئله ی افغانستان

در روند تکوین تهدیدهای دولت- ملت پاکستان علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، کشور افغانستان به عنوان یک متغیر مهم امنیتی حضور دارد. نقش افغانستان در این میان به دلیل مشترکات فراوان فرهنگی، قومی و دینی با هر دو کشور ایران و پاکستان، پر رنگ است. گرایش نسبی فرهنگی برخی از اقوام افغانستان (اکثراً متعلق به قوم تاجیک، هزاره و قزلباش) به ایران و گرایش برخی دیگر (اکثراً بلوچ‌ها و پشتون‌ها) بیشتر به پاکستان است. همین موضوع سبب شده است که دو کشور همسایه در تحولات افغانستان، بسترهای نفوذ قابل اتکایی به دست آورند و در مواقعی نیز افغانستان، حوزه ی رقابت و نفوذ بیشتر این دو کشور باشد. (جوادی‌ارجمند و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۳) رقابت ایران و پاکستان در افغانستان با استقرار دولت طالبان در افغانستان، شکل تهدید برای ایران به خود گرفت و با حمایت دولت و نیروهای اجتماعی پاکستان از طالبان این کشور در حال حاضر نیز، یکی از تهدیدهای موجود برای ایران است؛ چرا که از یک سو، اکثر اعضای تشکیل دهنده ی طالبان از محیط فکری پاکستان تأثیر پذیرفته‌اند. آرمان ایجاد نظام اسلامی، هدف اکثر گروه‌های اسلامی در پاکستان بوده است. ناکامی ایجاد نظام اسلامی در پاکستان و سرخوردگی گروه‌های اسلامی باعث شد که آن‌ها از محیط داخلی پاکستان، ناامید شوند و آرمان خود را در کشور همسایه (افغانستان) جست و جو کنند. (احمدی و بیدالله‌خانی، ۱۳۹۱: ۲۲) و از دیگر سو، بسیاری از تحلیلگران حمایت‌آی اس آی پاکستان از طالبان را بسیار شدید توصیف می‌کنند. به طوری که جان جک رونی مدعی است که ۱۸۰ گزارش مستند متفاوت موجود است که نشانگر دیدارهای افراد رده بالای آی اس آی با فرماندهان ارشد طالبان، آموزش بمب‌گذاری به طالبان و حتی سازماندهی عملیات پیچیده برای آن‌هاست. به علاوه مدارکی در دست بررسی هستند که نشان می‌دهند چگونه نیروهای آی اس آی، برخی از مقامات طالبان را تشکیل می‌دهند. (Quinlan, 2012: 6) با به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان، روابط تهران و

اسلام‌آباد، بیش از گذشته تیره شد. پاکستان به همراه عربستان سعودی و امارات متحده عربی، تنها کشورهایی بودند که حکومت طالبان را به رسمیت شناخته بودند. ایران این شرایط را تهدیدی علیه منافع و امنیّت ملی خود و در راستای سیاست‌های کلان ایالات متحده برای مهار انقلاب اسلامی در منطقه تفسیر می‌کرد. به منظور مقابله با این شرایط، ایران از گروه‌های مخالف طالبان از جمله برهان‌الدین ربانی که کماکان رئیس جمهور قانونی وقت افغانستان محسوب می‌شد و نیروهای ائتلاف شمال، تحت فرماندهی احمد شاه مسعود، علیه طالبان در جنگ داخلی افغانستان پشتیبانی کرد. در این مسیر، ایران همگام با سیاست‌های روسیه، هند و کشورهای آسیای مرکزی حرکت نمود تا بتواند با نفوذ روزافزون پاکستان در افغانستان، از طریق جریان طالبان، مقابله کند؛ امری که به طور مستقیم بر روابط ایران و پاکستان اثر منفی خود را برجای گذاشت. شهادت هشت دیپلمات و یک خبرنگار ایرانی در سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در شهر مزارشریف در ۱۷ مرداد ۱۳۷۷ (۸ اوت ۱۹۹۸) و نیز هزاران شیعه افغانی به دست گروه طالبان و دیگر جریان‌های افراطی در این مقطع صورت گرفت که در همه ی موارد، ایران دولت پاکستان را مسئول مستقیم این حوادث می‌دانست. (Kouzehgar Kaleji, 2012: 156-157) طالبان با حمایت پاکستان در صدد است تا با ناآرام ساختن مرزهای شرقی ایران، امنیّت ملی جمهوری اسلامی ایران را در مخاطره قرار دهد. آمریکا که نسبت به این گروه، علی‌رغم نقض صریح قوانین بین‌المللی با سکوت همراه با رضایت، موضع حمایتی اتخاذ نموده است، تلاش دارد تا با ایجاد آشوب در مرزهای شرقی ایران، جمهوری اسلامی را در تنگنا قرار دهد و نگذارد تا فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی این کشور در منطقه ی آسیای میانه، نفوذ روزافزون این کشور را موجب گردد. (سجادی، ۱۳۷۷: ۲۶۵-۲۶۶) این در حالی است که ایران، گروه طالبان را یک جریان منحرف می‌داند که با حمایت دستگاه‌های اطلاعاتی برخی از کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ، با تفسیر افراطی از آموزه‌های دینی و اقدامات خشونت آمیز، تخریب چهره ی واقعی اسلام و مهار سیاست‌های ایران را در سطح منطقه دنبال می‌کند. این امر به موازات همراهی پاکستان با نیروهای ائتلاف مستقر در افغانستان، به‌ویژه در چهارچوب استراتژی جدید دولت اوباما در قبال افغانستان و پاکستان، ادامه ی فعالیت گروه‌های بنیادگرا و اعمال اقدامات تروریستی

علیه شیعیان و اتباع ایرانی، کشت و ترانزیت مواد مخدر و رقابت دو کشور در افغانستان برای نفوذ در آسیای مرکزی، از جمله چالش‌های مهم ایران و پاکستان در صحنه تحولات افغانستان به شمار می‌رود. (Kouzehgar, 2012: 158-159)

### ۲-۳- ترانزیت و قاچاق مواد مخدر در پاکستان

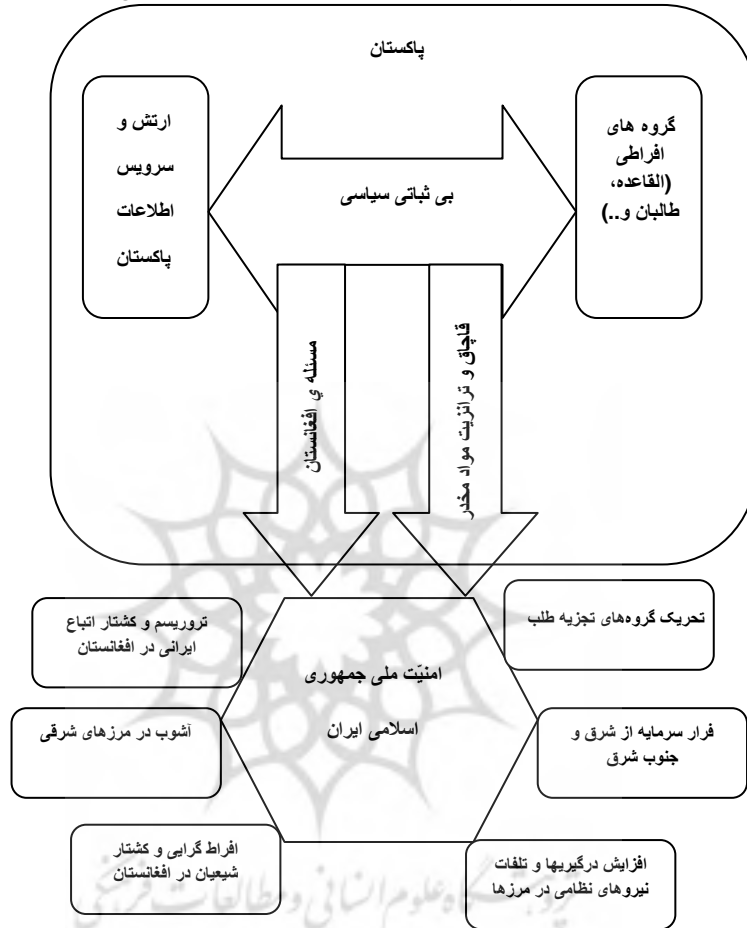
مواد مخدر همواره از دغدغه‌های جدی و اساسی برای ایران بوده است. حال آن که دولتمردان پاکستان و افغانستان به دلیل وجود مشکلات و چالش‌های سیاست داخلی، کمتر به آن پرداخته‌اند و تاکنون مبارزه با این معضل از اولویت‌های اساسی در سیاست‌گذاری این کشورها برخوردار نبوده است. صدور مواد مخدر از شرق و جنوب شرق جمهوری اسلامی ایران برای مصرف داخلی و انتقال آن به بازارهای جهانی به ویژه اروپا، در ردیف مهمترین منابع نامنی و بحران در این منطقه از کشور است. (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۵۰) حتی برخی معتقدند، مهم‌ترین عامل افزایش قاچاق مواد مخدر از طریق پاکستان، عدم اعتقاد و پایبندی جدی مسئولان پاکستانی اعم از مقام‌های سیاسی، قضایی و پلیس و دیگر دستگاه‌های ذیربط در مقابله با قاچاق و ترانزیت مواد مخدر است. (محمدی و غنجدی، ۱۳۸۱: ۱۰۴-۱۱۰)

از سوی دیگر، رابطه‌ی معنادار و مستقیمی بین میزان درآمد حاصل از تجارت مواد مخدر و فعالیت‌های گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران وجود دارد؛ چراکه این گروه‌ها از مواد مخدر و سود ناشی از آن زندگی می‌کنند؛ (واعظی، ۱۳۹۰: ۳۷) به طوری که یکی از منابع مالی طالبان، قاچاق مواد مخدر و ارتباط با شبکه‌ی تجاری مافیای مواد مخدر است. (احمدی و بیدالله‌خانی، ۱۳۹۱: ۳۲) بنابراین هیچ جای تعجبی باقی نمی‌ماند که پاکستان به عنوان جولانگاه قاچاقچیان حرفه‌ای و بین‌المللی شناخته می‌شود. وجود مناطق قبایلی خود-مختار و خاکستری مانند «خیبر»، «سرحد» و «مند» باعث شده تا لابراتوارهای متعددی برای تولید و تبدیل مواد مخدر در این کشور فعال باشند. این شرایط موجب به وجود آمدن تهدیدهایی برای امنیت ملی ایران شده است. به گروگان گرفته شدن تعداد ۹ نفر از سربازان ناجا در اوایل دی ۱۳۸۴ در مرز شرقی به وسیله‌ی اشرار وابسته به القاعده و انتقال آنان به پاکستان، از نمونه‌های بارز امن بودن این کشور برای اشرار و قاچاقچیان است. افزون بر آن،

عدم صداقت دولت پاکستان با ایران، در شناسایی و دستگیری عناصر اصلی قاچاق مواد مخدر که همواره در خاک پاکستان رفت و آمد دارند، از جمله چالش‌هایی است که به این تهدیدها دامن می‌زند. ضمن این که منابع اطلاعاتی در اسلام آباد که با عوامل FBI همکاری دارند، گفته‌اند ضمن دست داشتن افراد دولتی پاکستان بویژه سرویس‌های اطلاعاتی در کار قاچاق هروئین، درآمدهای غیرقانونی ناشی از قاچاق هروئین از سال ۱۹۹۰ اقتصاد این کشور را فعال نگه داشته و از سقوط آن جلوگیری کرده است. (محمدی و غنجدی، ۱۳۸۱: ۱۰۵-۱۱۰)

علاوه بر این، حق‌پناه تبعات ناگوار قاچاق مواد مخدر بر امنیت ملی ایران از سوی کشورهای پاکستان و افغانستان را از حیث اجتماعی و اقتصادی در مواردی چون افزایش تعداد درگیری‌ها و تلفات در مرزها، افزایش هزینه‌های کنترل مرز، آلودگی نیروهای مقابله‌کننده، تسهیل ورود سایر کالاهای قاچاق از مرزها، تسهیل تردد اتباع بیگانه، ایجاد شرارت و ناامنی از سوی قاچاقچیان، ناامن بودن فضا (شرق و جنوب شرق کشور) جهت سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه، می‌داند. (حق‌پناه، ۱۳۷۷: ۱۶۰ - ۱۵۵) از لحاظ سیاسی نیز از دیدگاه وی، طی سال‌های دهه ی ۶۰ - ۷۰، گروه‌های کوچک تجزیه طلب بلوچ، مورد حمایت برخی از کشورهای منطقه، ضمن اعتراض به حضور مقتدرانه ی نظام در مقابله با قاچاق مواد مخدر، آن را پوششی برای سرکوب مردم بلوچستان دانسته، برای تحقق اهداف خود، بهره‌گیری از توان قاچاقچیان با سابقه ی مواد مخدر را در اولویت قرار دادند. از این رو با هدایت و حمایت خارجی قاچاقچیان و اشرار معروفی مانند حمید نهبانی، نورمحمد نارویی و شمس‌الدین سالارزهی با داعیه‌ی حمایت از حقوق سیاسی و مذهبی مسلمانان اهل سنت بلوچستان، در سطح منطقه به تبلیغات و ایجاد شرارت و ناامنی پرداختند. همچنین برخی از گروه‌های افراطی از جمله طالبان، حمایت از گروه‌های قاچاقچی در ایران را تشدید کرده و با کمک آن‌ها، درصدد ایجاد ناامنی در عمق کشور و دامن زدن به تعارضات سیاسی و مذهبی به ویژه در مناطق مرزی هستند. حمایت از گروهی موسوم به الفرقان و یکی از اشرار و قاچاقچیان معروف بلوچستان به نام مولابخش درخشان، موسوم به «مولک» در همین جهت صورت گرفت. گروه شرور فوق در اسفند ۱۳۷۶ در شهرستان ایرانشهر، مورد حمله ی نیروهای انتظامی و امنیتی قرار گرفت. اسناد درون گروهی به دست آمده، ارتباطات آن‌ها را با طالبان

و مقاصد گفته شده ی آنان تأیید می‌کند. (حق‌پناه، ۱۳۷۷: ۱۶۱-۱۶۲) شکل زیر برآیند تهدیدهای دولت و جامعه ی پاکستان، علیه امنیّت جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد.



نتیجه

در این مقاله ضمن بهره‌گیری از برخی مبانی مفهومی سه نظریه ی سازه‌انگاری، نئورئالیسم و نظریه عام سیستم‌ها سعی شد ابعاد و اضلاع تهدیدهای دولت-ملت پاکستان علیه امنیّت ملی ج.ا.ا. بررسی گردد. لذا همان گونه که گفته شد، از دید سازه‌انگاری نیروهای اجتماعی بر اساس هویت‌شان، دشمنان و دوستان خود را از هم بازمی‌شناسند. بر همین اساس، به موازات گسترش افراطی‌گری و شیعه‌ستیزی در بین گروه‌های ضد ایرانی در پاکستان، علاوه بر این که تهدیدهایی متوجه اتباع ایران در این کشور، در چند سال اخیر شده است، زمینه‌های مناسبی

برای تجاوز به خاک ایران و حرکت‌های تجزیه‌طلبانه مهیا گردیده است. از طرفی، نظریه ی نئورئالیسم با همسو ندانستن توانایی‌ها و منافع دولت‌ها در نظام آنارشیک بین‌المللی، موجبات تحلیل تهدیدهای دولت پاکستان علیه امنیّت ملی ایران را فراهم می‌آورد. بدین ترتیب که توانایی دولت پاکستان در ساخت و نگهداری تسلیحات هسته‌ای از یک سو، این نگرانی را در پی خواهد داشت که در صورت دسترسی گروه‌های افراطی از قبیل سپاه صحابه، لشکر جنگجوی، القاعده و طالبان به این تسلیحات، چه سرنوشتی در انتظار کشور شیعه نشین ایران خواهد بود؟ و از دیگر سو، منافع دولت پاکستان در اثر انواع کمک‌های ایالات متحده به این کشور ایجاب می‌نماید که دولت پاکستان در قبال حضور نظامی نیروهای آمریکایی و ناتو در منطقه، موضع حمایتی اتخاذ نماید که این خود می‌تواند برای ایران انواع تهدیدهای نظامی، سیاسی، فرهنگی و غیره با توجه به نوع روابط ایران و آمریکا داشته باشد. به علاوه، کاربرد نظریه ی عام سیستم‌ها در این مقاله، به جهت تبیین و شناخت تهدیدهایی که برآیند تعامل دو حوزه ی جامعه و دولت پاکستان علیه امنیّت ملی ایران بوده است. این نظریه بر عمل و عکس‌العمل اجزای یک سیستم در جهت رسیدن به اهداف تأکید دارد. از همین رو، تهدیدهای مشترک جریان‌های افراطی و دولت (بالاخص ارتش و آی اس آی) پاکستان در متغیرهای امنیّتی افغانستان و قاچاق مواد مخدر، قابلیت تحلیل را داراست. حمایت‌های گسترده ی کیفی و کمی آی اس آی از طالبان، چه در گذشته و چه در حال حاضر، علاوه بر منتفع ساختن رقبای عرب ایران در منطقه، به ناامنی مرزهای شرقی ایران دامن زده است. در ضمن عدم پایبندی دولت پاکستان در مبارزه با فعالیت‌هایی که گروه‌های افراطی همچون طالبان و القاعده، در زمینه ی قاچاق و ترانزیت مواد مخدر دارند، تهدیدهای قابل توجهی را متوجه امنیّت افراد نظامی و عموم مردم ایران کرده است. در مجموع می‌توان گفت، بررسی علمی و دقیق تهدیدهای دولت - کشور پاکستان علیه ایران، مستلزم درک صحیح از تحولات اجتماعی، دولتی و تلفیقی از مجموع این دو حوزه است.

## منابع

- ۱- احمدی، حمید، قومیت و قومیت‌گرایی در ایران، تهران: نشرنی، ۱۳۷۷.
- ۲- احمدی، حمید و بیدالله‌خانی، آرش، طالبان پاکستان: علل پیدایش، ماهیت و چالش‌های امنیتی، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۱، صص ۳۷-۲۱، ۱۳۹۱.
- ۳- احمدی‌پور، زهرا و دیگران، تبیین عوامل ناامنی در جنوب شرق ایران، فصلنامه‌ی مطالعات امنیت اجتماعی، صص ۴۴-۱۳، ۱۳۹۰.
- ۴- بشری، اسماعیل، امنیت هسته‌ای پاکستان: چالش در حال تشدید، فصلنامه‌ی راهبرد، شماره ۴۸، صص ۳۰-۱۷، ۱۳۸۷.
- ۵- بهمنیار، احمدرضا، شناخت دقیق تهدیدات و فرصت‌های بین‌المللی فراروی نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹: <http://prrsi.parsiblog.com/Posts/3>
- ۶- پیشگاه هادیان، حمید، امنیت مرزهای شرقی ایران، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی / گروه مطالعات استراتژیک، صص ۵-۱، ۱۳۸۶.
- ۷- ترابی، قاسم، اصلاحات شورای امنیت: زمینه‌ها و موانع، فصلنامه‌ی راهبرد، شماره ۴۱، ۳۷۴-۳۵۱، ۱۳۸۵.
- ۸- تریف، تری و دیگران، مطالعات امنیتی نوین، ترجمه‌ی علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.
- ۹- جوادی‌ارجمند، محمدجعفر و دیگران، تحلیل ژئواستراتژیکی روابط ایران و پاکستان با تأکید بر عامل امنیتی، فصلنامه‌ی مطالعات شبه‌قاره، سال ۴، شماره ۱۲، صص ۷۶-۵۱، ۱۳۹۱.
- ۱۰- حافظ‌نیا، محمدرضا و کاویانی، مراد، نقش هویت قومی در همبستگی ملی، مجله‌ی علوم انسانی دانشگاه اصفهان جلد ۲۰، شماره ۱، ۴۶-۱۵، ۱۳۸۵.
- ۱۱- حق‌پناه، جعفر، قاچاق مواد مخدر و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم، صص ۱۷۰-۱۴۳، ۱۳۷۷.
- ۱۲- خبیری، کابک، متغیرهای موجود در روابط ج.ا.ا. و پاکستان، گاهنامه، سال ۱، شماره ۲، صص ۳۲-۳۰، ۱۳۸۱.
- ۱۳- دوران، دانیل، نظریه‌ی سیستم‌ها، ترجمه‌ی محمد یمینی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.

- ۱۴- رشیدی، احمد، شاه‌قلعه، صفی‌الله، مبانی فکری ضدیت «طالبان‌سیم» پاکستان با شیعیان، فصلنامه ی مطالعات جهان اسلام، سال ۱، شماره ۲، صص ۱۱۲-۹۳، ۱۳۹۱.
- ۱۵- سجادی‌پور، کاظم و کریمی قهرودی، مایده، رقابت هسته‌ای هند و پاکستان و پیامدهای آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه ی مطالعات راهبردی، سال ۱۴، شماره ۴، صص ۲۵۸-۲۲۷، ۱۳۹۰.
- ۱۶- سجادی، عبدالقیوم، طالبان؛ ایران و پاکستان مطالعه ی سیاست خارجی ایران، پاکستان و عربستان درباره ی افغانستان از سقوط مزار تا کنون، نشریه ی علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع)، سال ۱، شماره ۲، صص ۲۶۸-۲۴۷، ۱۳۷۷.
- ۱۷- شفیع، نوذر و قلیچ‌خان، غلامرضا، تبیین تأثیر رادیکالیسم اسلامی بر روابط ایران و پاکستان، فصلنامه ی مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال ۱۱، شماره ۴۲، صص ۳۳-۱، ۱۳۸۹.
- ۱۸- عباسی‌اشلقی، مجید و فرخی، مرتضی، چارچوبی تحلیلی برای مفهوم امنیت از منظر سازه‌انگاری، فصلنامه ی مطالعات سیاسی، سال ۲، شماره ۶، صص ۹۶-۷۱، ۱۳۸۶.
- ۱۹- عارفی، محمداکرم، جنبش‌های اسلامی پاکستان، بررسی عوامل ناکامی در ایجاد نظام اسلامی، قم: انتشارات بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲.
- ۲۰- کریمی‌پور، یدالله، ایران و همسایگان، تهران: جهاد دانشگاهی تربیت معلم، ۱۳۷۹.
- ۲۱- لطفیان، سعیده، مداخله ی نظامیان در سیاست خاورمیانه، فصلنامه ی سیاست، دوره ۳۹، شماره ۴، صص ۲۵۰-۲۲۵، ۱۳۸۸.
- ۲۲- محمدی، حمیدرضا و غنجی، محمد، چالش‌های ژئوپلیتیکی مواد مخدر در جنوب غرب آسیا، فصلنامه ی ژئوپلیتیک، سال ۲، شماره ۱، صص ۱۲۱-۹۰، ۱۳۸۱.
- ۲۳- مسعودنیا، حسین و نجفی، داود، عوامل مؤثر در تکوین و رشد بنیادگرایی در پاکستان، فصلنامه ی مطالعات شبه‌قاره، سال ۳، شماره ۸، صص ۱۱۶-۸۳، ۱۳۹۰.
- ۲۴- مشیرزاده، حمیرا، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۱.
- ۲۵- نقیب‌زاده، احمد، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
- ۲۶- واعظی، محمود، ایران و تهدیدات ناشی از بی‌ثباتی در افغانستان و پاکستان، مجله ی کانون های بحران در آسیا، مرکز تحقیقات استراتژیک، صص ۴۵-۱۵، ۱۳۹۰.



- ۲۷- واعظی، محمود، تحولات سیاسی پاکستان: تقسیم قدرت با غیرنظامیان، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک، صص ۶-۱، ۱۳۸۶.
- ۲۸- یزدان‌فام، محمود، دگرگونی در نظریه‌ها و مفهوم امنیت بین‌المللی، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، شماره ۳۸، ۷۵۰-۷۲۵، ۱۳۹۱.
- 29- Akbar Zaidi, S. **Who Benefits From U.S. Aid to Pakistan?**, yoketab.com/redir.aspx?token, 2011
- 30- Alam, Shah. **Iran-Pakistan Relations: Political and Strategic Dimensions**. Strategic Analysis. Vol. 28, No. 4, pp 526-547, 2004.
- 31-Ali Khan, Zahid. **Balochistan Factor in Pak-Iran Relations: Opportunities and Constraints**. A Research Journal of South Asian Studies, Vol. 27, No. 1, January-June. pp, 121-140, 2012.
- 32- Australian National Security website. **Lashkar-e Jhangvi**. <http://www.ema.gov.au/agd/WWW/nationalsecurity.nsf>
- 33- Baqal, Huma. **Extremism and Fundamentalism: Linkages to Terrorism Pakistan's Perspective**" International Journal of Humanities and Social Science Vol. 1 No. 6; June, 242-248, 2012.
- 34- Cronin, Richard P, Alan.k and Squassoni, Sharon. **Pakistan's Nuclear Proliferation Activities and the Recommendations of the 9/11 Commission: U.S. Policy Constraints and Options**. Congressional Research Service, Order Code RL32745, 2005.
- 35- Feickert, Andrew and Kronstadt, Alan. K. **Missile Proliferation and the Strategic Balance in South Asia**. Congressional Research Service, Order Code RL32115. 2003.
- 36- Jamal, A. **Malik Mohammad Ishaq: Founder of Lashkar e-Jhangvi**", Militant Leadership Monitor, Vol. 3, Issue 5, May, 1-13, 2012.
- 37- Kamran, T. **The Political Economy of Sectarianism**. 2008. <http://spaces.brad.ac.uk:8080/download/attachments/748/Brief32fin>
- 38- Kerr, Paul K. and Beth Nikitin, Mary. **Pakistan's Nuclear Weapons: Proliferation and Security Issues**. Congressional Research Service, 2013.
- 39- Kouzehgar Kaleji, Vali. **Ups and Downs in Iran-Pakistan Ties**. Iranian review of Foreign Affairs, Vol. 2, No. 4, 141-178, 2012.
- 40- Mclean, Ian. **The concise Oxford Dictionary of politics**. New York Oxford University Press, 1996.
- 41-Pant, Harsh V. **Pakistan and Iran's Dysfunctional Relationship**. Middle East Quarterly, Spring, Volume xvi: Number 2, 2009.
- 42- Oakley, Robert B. and Gady Franz - Stefan. **Radicalization by**

**Choice: ISI and the Pakistani Army.** Strategic Forum, No. 247, 2009

43- Quinlan, Phillip J. **Pakistan: A Conflicted Ally in the Fight Against Terrorism Since 9/11**, Global Security Studies, Vol. 3, Issue 1, 1-14, 2012.

44- Robert, M, Shelala, II, Nori, Kasting, Sam, Khazai, and Sean Mann .**US and Iranian strategic competition: The Impact of Afghanistan, Central Asia, and Pakistan.** center for strategic international studies, 2011.

45- South Asian Terrorism Portal. **Sipah-e-Sahaba Pakistan.** 2013. <http://www.satp.org/satporgtp/countries/pakistan/terrorist>.

46- South Asian Terrorism Portal .**Lashkar-e Jhangvi.** 2012. <http://www.satp.org/satporgtp/countries/pakistan/terroristoutfits/lej>.

47-Zambelis, Chris. **Violence and Rebellion in Iranian Balochistan.** 2006. <http://www.jamestown.org/programs/gta/single/?tx>.

#### References:

1-Ahmadi, Hamid. **Ghomiat va Ghomiatgraie dar Iran.** Tehran: Nashre – Nei publication, 1999.

2-Ahmadi, Hamid & Bidolahkhani, Arash. **Talibane Pakistan: Elale Peidayesh, Mahiat va Chalehaye Amniati.** Fasnameh – e - Siasat, Volume 42, No 1, pp. 21-37, 2013.

3-Ahmadipour, Zahra, Heidari Mouslou Tahmoures & Mirjalaie, Akbar. **Tabeene Avamale Naamni Dar Jonoube Sharghe Iran.** Fasnameh Motaleate Amniat – Ejtemaie, pp. 13-44, 2012.

4-Boshra, Esmail. **Amniate Hastehie Pakistan: Chaleshe dar Hale Tashdid.** Fasnameh – e – Rahbord, Vol. 48, pp. 17-30, 2009.

5-Bahmanyar, Ahmad Reza .**Shenakhte Daghighe Tahdidat va Forsathaie Fararuye Jomhuri Islamie Iran.** 2011. at: <http://prrsi.parsiblog.com/Posts/3>

6-Paygahe Khabari – e – Shia News. **Zohure Sheitan in Bar Ba Name Jaish-e-Adl .** 2014. at: <http://www.shianews.com/fa/news/63119>

7-Pishgah Hadian, Hamid. **Amniate Marzhaie Sharghie Iran.** Moavenate – e- Pajoheshaye Siasat Khareji, Goroo – e – Motaleat – e – Estratezhik, pp. 1-5, 2008.

8-Torabi, Ghasem. **Eslahate Shoraie Amniat, Zamineha va Mavane.** Fasnameh – e – Rahbord, No. 41, pp. 351-374, 2007.

9-Terri, Teriff & Others. **Motaleat – e – Amniati Novin**. Translated By Ali Reza Tayeb & Vahid Bozorgi, Tehran: Pazhoheshkdeh – e – Motaleat – e – Rahbordi, 2005.

10-Javadi Arjomand, Mohammad Jafar, Bidolakhani, Arash & Rezai Zadeh, Peiman. **Tahlile Geostrategie Ravabete Iran and Pakistan Ba Takid Bar Amele Amniati**. Faslnameh – e – Motaleat – e – Shebhe – e – Ghareh , Year 4, No 12, pp. 51-76, 2013.

11-Hafez Nia, M.R. & Kaviani, Morad. **Naghshe Hoviate Ghomi Dar Hambastegie Melli (Morede Ghome Blouch)**. Majaleh Pazhoheshi University of Isfahan, Vol. 20, No 2, pp. 15-46, 2007.

12-Haghpahan, Jafar. **Ghachaghe Mavade Mokhader Va Tasir An Bar Amniate Jomhuri Islamie Iran** . Faslnameh – e – Motaleat – e – Rahbordi, No 2, pp.143-170, 1999.

13-Khabiri, Kabak. **Motaghayerhaye Mojud Dar Ravabete Jomhuri Islamie Iran va Pakistan**. Gahnameh, Year 1, No 2, pp. 30-32, 2003.

14-Doran, Daniel. **Nazarieh – e- Systemha**. Translated By Mohammad Yamini, Tehran: Entesharat – e – Elmi va Farhangi publication, 1993.

15-Rashidi, Ahmad & Shahghaleh, S. **Mabanie Fekrie Zediate Talebanism Pakistan Ba Shiayan**. Faslnameh – e - Motaleat Jahan – e – Eslam, Year 1, No 2, pp. 93-112, 2013.

16-Sajadpour, Kazem & Karimi, Maede. **Reghabate Hastehie Hend va Pakistan va Tasire an Bar Amniate Mellie I.R. Iran**. Faslnameh – e – Motaleat – e – Rahbordi, Year 14, No 4, pp. 227-258, 2012.

17-Sajadi, A. **Taliban: Iran va Pakistan, Motale-ye- Siasate Kharejje Iran, Pakistan va Suadi Arabia Darbare Afghanistan Az Soghote of Mazar – e - Sharif Ta Konoun**. Nashrie Olume Siasi Baghera – al – olum University, Year 1, No 2, pp. 247-268, 1999.

18-Shafie, Nozar & Ghelichkhan, GH.R. **Tabeene Tasire Radicalisme Islami Bar Ravabete Iran and Pakistan**. Faslnameh – e – Motaleat – e – Rahbordi, Jahan – e – Eslam, Year 11, No 42, pp. 1-33, 2011.

19-Abasi Ashlaghi, M & Farokhi, Morteza .**Chachubi Tahlili Baraye Mafhume Amniat Az Manzare Sazeengari**. Fasnameh – e – Motaleat – e – Siasi, Year 2, No 6, pp. 71-96, 2008.

20-Arefi, M.A. **Jonbeshhai – e – Islami – e – Pakistan, Barasi Avamel – e – Nakami Dar Ijade Nezam – e – Islami**. Ghom: Entesharate Bostan – e – Ketab – e - Ghom publication, 2004.

21-Karimipour, Y. **Iran va Hamsayegan ( Manabe Tanesh va Tahdid)**. Tehran: Entesharate Jahade Daneshgahi Tarbiat – e – Moalem, 1996.

22-Lotfian, S. **Modakhele Nezamiane Khavarmiane Dar Siasat .** Fasnameh - e - Siasat, Volume 39, No 4,pp. 225-250, 2010.

23-Mohammadi, H.R and Ghonji, M.**Chaleshhaie Geopoliticie Mavade Mokhader Dar Jonoube Gharbe Asia**. Fasnameh – e – Geopolitics, Year 2, No 1, pp. 90-121, 2003

24- Masoudnia, H and Najafi, D .**Avamele Moaser Dar Takvin Va Roshde Bonyadgraiee Dar Pakistan**. Fasnameh – e – Motaleat – e – Shebhe – e – Ghareh , Year 3, No 8, pp.83-116, 2012.

25- Moshirzadeh, Homeira. **Tahavol Dar Nazarieha – e – Ravabet – e – Bionolmellal**. Tehran: Entesharat – e – Samt publication, 2013.

26-Naghizadeh, Ahmad. **Daramadi bar Jameshenasi Siasi**. Tehran: Entesharat – e – Samt publication, 2006.

27- Vaezi, Mahmoud .**Iran va Tahdidate Nashie Az Bisobatie Siasi Dar Afghanistan va Pakistan**. Majalehe Kanoonhai Bohran Dar Asia, Markaze Tahghihat – e – Estrategic, pp. 15-45, 2012.

28-Vaezi, Mahmoud.**Tahavolate Siasi Dar Pakistan: Taghsim Ghodrat Ba Gheirenezamian**. Moavenate Pajoheshhaoie Siasate Khareji, Markaze Tahghihat – e – Estrategic, pp. 1-6, 2008.

29-Yazdanfam, Mahmoud.**Degarguni dar Nazariyeha va Mafhume Amniate Beinolmelali**. Fasnameh – e – Motaleat – e – Rahbordi, No 3, pp.725-750, 2012.